

تحلیل حیات شکوهمند ابناء الرضا علیهم السلام بر محور دیدگاه مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

محمد باقر پورامینی*

چکیده

دوران امامت فرزندان امام رضا علیه السلام، مشهور به «ابناء الرضا»، یکی از دوره‌های درخشان تاریخ تشیع است که در شرایط فشار شدید حکومت عباسی شاهد شکوفایی علمی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان شیعی بود. بر اساس دیدگاه آیت الله خامنه‌ای این دوره بخشی از حرکتی مستمر و منسجم امامان معصوم علیهم السلام برای حفظ و توسعه اسلام ناب محمدی است که با راهبردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی همراه بوده است.

ائمه علیهم السلام در این دوره با ایجاد شبکه‌های تعلیم و هدایت، تربیت شاگردان برجسته، ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام از طریق احادیث و زیارات و بنیانگذاری نهاد نظام وکالت، زمینه‌های احیای هویت شیعی و توسعه فرهنگی را در گستره وسیعی از جهان اسلام فراهم کردند.

نمادسازی هویتی، برگزاری مباحثات علمی، مناظره‌ها و مقاومت هوشمندانه در برابر ظلم از دیگر ویژگی‌های این دوره برجسته است. به این ترتیب دوره «ابناء الرضا» تجسم پیوند عمیق بین رهبری الهی، فرهنگ و مقاومت اجتماعی در برابر چالش‌های زمانه است و راهی روشن برای تعالی امت اسلامی می‌گشاید.

کلیدواژه: ابن الرضا علیه السلام، مقام معظم رهبری، شیعه، حیات سیاسی، حیات فرهنگی و اقتصادی.

۱. محقق و نویسنده

دوران امامت فرزندان امام رضا (ع) (امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع)) صحنه شگرف در تاریخ تشیع است. در حالی که دستگاه خلافت عباسی (از مأمون تا معتمد) با حصر خانگی، ترور امامان و محدودیت‌های امنیتی به سرکوب نظام‌مند جریان امامت پرداخت، تشیع در همان دوره به اوج شکوفایی علمی، اجتماعی و تشکیلاتی دست یافت. این «حیات شکوهمند» با شاخصه‌هایی چون گسترش کمی و کیفی جامعه شیعی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی کارآمد و نهادهای سازشی آموزش‌های معارفی، هویتی ماندگار را برای امت شیعه رقم زد.

مطالعات پیشین جنبه‌های سیاسی این دوره را کاویده، اما از تحلیل سازوکارهای اجتماعی و خوانش‌های انقلابی غفلت کرده‌اند. فرضیه محوری این مقاله، شکوفایی تشیع در عصر ابناء الرضا (ع) بر محور دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب است.

هدف نهایی این نوشتار فراتر از تبیین تاریخی، استخراج الگویی کاربردی برای جامعه شیعی معاصر است؛ این الگو می‌تواند به مثابه «تمدن‌سازی در شرایط فشار» بازتولید شود. این مهم پاسخی عملی به دغدغه رهبری درباره خلأ پژوهش در حوزه سیره ابناء الرضا (ع) نیز هست.

مفهوم و مبانی نظری

۱. ابناء الرضا

پس از شهادت امام رضا (ع)، هشتمین امام شیعیان، مسیر امامت از طریق سه فرزند و جانشین بلافصل ایشان (امام محمد بن علی الجواد (ع)، امام علی بن محمد الهادی (ع) و امام حسن بن علی العسکری (ع)) ادامه یافت. این سه امام بزرگوار در شرایط حساس و دشوار رهبری معنوی و دینی جامعه شیعه را در دوران پس از امام رضا (ع) تا آستانه غیبت صغرای امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه) بر عهده داشتند.

این سه امام معصوم (ع) به دلیل جایگاه بی‌بدیل، نقش محوری و تأثیرگذاری عمیق

امام رضا (علیه السلام) در تاریخ تشیع و جهان اسلام، به صورت جمعی به «ابناء الرضا» (فرزندان رضا) شهرت یافتند. امام رضا (علیه السلام) با پذیرش ولایتعهدی اجباری مأمون عباسی و حضور در مرکز خلافت عباسی (مرو)، موقعیت بی نظیری برای تبیین معارف اهل بیت (علیهم السلام) و گسترش تشیع در سطحی وسیع فراهم آورد. شخصیت علمی، معنوی، سیاسی و اجتماعی ایشان چنان عظیم و اثرگذار بود که امامان پس از ایشان نیز در سایه این عظمت و پیوند ناگسستنی نسبی و معنوی، با عنوان افتخارآمیز «ابن الرضا» شناخته می شدند.

این عنوان تنها یک لقب محدود در میان شیعیان نبود، بلکه به عنوانی رایج و شناخته شده در متون روایی، تاریخی، کلامی و حتی در محاورات عصر تبدیل شده بود؛ منابع معتبر شیعی - مانند آثار شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۲۲)، شیخ طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۴۹) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۳۸) - به کرات از امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) با عنوان «ابن الرضا» یاد کرده اند. این امر نشان دهنده تثبیت این عنوان در ادبیات و اصطلاحات علمای شیعه است.

پیروان اهل بیت (علیهم السلام) با احترام و اعتقاد به جایگاه رفیع امام رضا (علیه السلام)، جانشینان بلافصل ایشان را با این عنوان خطاب می کردند که هم بیانگر انتساب ایشان به آن امام همام، و هم نشان دهنده تداوم خط امامت بود. جالب توجه اینکه حتی دشمنان ائمه (علیهم السلام) و خلفای عباسی معاصر نیز در مکاتبات و گفتارهای خود، این سه امام را به «ابن الرضا» می شناختند؛ منابعی مانند تاریخ بغداد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۸۸)، که از منابع اهل سنت است، شاهد این مدعاست. این امر به وضوح نشان می دهد که شخصیت و جایگاه امام رضا (علیه السلام) چنان برجسته و غیرقابل انکار بود که دشمنان نیز ناگزیر به پذیرش این انتساب و تأثیر آن بودند. استفاده خلفا از این عنوان، حاکی از تلاش برای کنترل یا محدود کردن نفوذ این امامان به بهانه ارتباطشان با امام رضا (علیه السلام) بود و این گواهی بر نفوذ گسترده این پیوند در اذهان عمومی است؛ این شهرت فراگیر چندین دلیل مهم دارد:

الف) تأثیر ماندگار امام رضا (علیه السلام): عظمت و نقش تاریخی امام رضا (علیه السلام) به حدی بود که هویت

امامان پس از ایشان نیز تا حد زیادی تحت الشعاع آن قرار گرفت و این پیوند، بخشی جدایی ناپذیر از شناسه ایشان شد.

ب) تداوم خط امامت: این عنوان به وضوح نشان دهنده استمرار خط الهی امامت از امام رضا (ع) به فرزندان ایشان است و پیوند عمیق و ناگسستنی این امامان را با یکدیگر برجسته می‌کند.

ج) اعتراف ضمنی مخالفان: استفاده گسترده این عنوان، حتی به وسیله مخالفان، نشان دهنده پذیرش عمومی این انتساب، و به نوعی اعتراف غیر مستقیم به جایگاه رفیع امام رضا (ع) و مشروعیت نسبی امامان پس از ایشان در نزد افکار عمومی است.

د) وحدت رویه در معرفی ائمه (ع): این عنوان راهی برای معرفی این امامان با ارجاع به شخصیتی شناخته شده و قابل احترام عموم (امام رضا (ع)) بود؛ به ویژه در دورانی که فشارهای عباسیان بر ائمه (ع) و شیعیان شدت یافته بود.

بنابراین عنوان «ابناء الرضا» یا «ابن الرضا» برای امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) بیانگر تأثیر شگرف و جایگاه بی‌همتای امام رضا (ع) در تاریخ تشیع بود. این عنوان، که ریشه در احترام و اعتقاد شیعیان داشت، چنان فراگیر شد که به گفتمان رایج در تمام سطوح جامعه، از متون علمی و روایی گرفته تا محاورات روزمره دوستان و حتی خطاب‌های رسمی دشمنان و خلفای عباسی، تبدیل شد. منابع معتبر و متعدد تاریخی و روایی، چه شیعه و چه سنی، گواه این شهرت و فراگیری هستند. این پدیده سندی بر عظمت امام رضا (ع) و تداوم آشکار خط امامت از طریق فرزندان برومند ایشان در یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخ تشیع است.

۲. نظریه آیت الله خامنه‌ای در زمینه حیات معصومان (ع)

برای تحلیل حیات فرهنگی و اجتماعی ابناء الرضا (ع) از منظر آیت الله خامنه‌ای لازم است بر محور نظریه ابداعی انسان ۲۵۰ ساله ایشان تمرکز کرد.

آیت الله خامنه‌ای در این نظریه بر این باورند که زندگی سیاسی امامان شیعه، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، در مجموع حرکتی مستمر و طولانی است که ۲۵۰ سال ادامه پیدا کرده و همه

آنان در راستای تحقق هدفی مشخص - یعنی رشد و تعالی انسانیت و ایجاد جامعه اسلامی، اما با شیوه‌های گوناگون - در حال مبارزه با دشمنان زمانه خویش بوده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

زندگی ائمه از امیرالمؤمنین تا امام عسکری علیه السلام را باید زندگی یک انسان به حساب بیاوریم، یک انسان دویست و پنجاه ساله؛ تمام کارهای ائمه در طول این دویست و پنجاه سال کار یک انسان با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیک‌های مختلف است. ائمه علیهم السلام همه‌شان به مجرد اینکه بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع می‌کردند یک «مبارزه سیاسی برای گرفتن حکومت» بود. (خامنه‌ای، ۱۳۶۴/۱/۲۳)

این نظریه با اتکا به یکپارچگی شیوه و سیره سیاسی و مبارزاتی امامان شیعه در دوران حکومت خلفا و بنی امیه و بنی عباس، آنان را یک انسان ۲۵۰ ساله قلمداد می‌کند. طبق نظریه انسان ۲۵۰ ساله، معصومان علیهم السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزله یک انسان واحد محسوب می‌شوند که از سال ۱۱ تا ۲۶۰ قمری همواره در حال جهاد و مبارزه سیاسی پیوسته با ظلم و انحراف طاغوت‌های زمان بوده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۶)

طبق این نظریه، امامان شیعه فقط مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی نداشتند؛ بلکه زندگی مستمر آنها با جهت‌گیری سیاسی همراه بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۶) و همه اهل بیت علیهم السلام به مانند یک انسان بوده‌اند که ۲۵۰ سال با فکر و هدف مشخص به مبارزه در جهت تحقق آن هدف مشغول بوده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۶۱)

بر اساس این نظریه، ۲۵۰ سال زندگی معصومان به چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوران صبر و سکوت ۲۵ ساله؛
۲. دوره کوتاه حکومت ائمه؛
۳. دوره بیست ساله فعالیت‌های مخفی، تشکیلاتی؛
۴. دوره احیای مبانی فکری اسلام از آغاز امامت امام سجاده علیه السلام؛ در این دوره دو اقدام

مهم انجام شد:

الف) احیای اسلام: جامعه اسلامی در طول دوران حکومت طولانی مدت بنی امیه و قبل از آن، تغییر شکل داد و مبانی فکری اسلام ناب محمدی ﷺ به فراموشی سپرده شد؛ به همین دلیل امامان علیهم السلام به احیای مبانی فکری اسلام پرداختند و تلاش کردند افکار غیر اسلامی تزریق شده به جامعه در این سال‌ها را از بین ببرند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰)

ب) شکل دهی یک حزب سیاسی - مذهبی و مخفی با هدف «حفظ جریان فکر اصیل اسلام ناب»، «ایجاد جریان سیاسی منظم» و «ایجاد ارتباط بین وابستگان به طرز فکر اسلامی با آن جریان سیاسی منظم» از کارهای مهم این دوره شمرده می‌شود؛ چراکه اگر امام علیهم السلام در مواقع لزوم قصد حرکت و درگیری با دستگاه حاکم را داشت، به عده‌ای سرباز مجاهد نیاز پیدا می‌کرد که از قبل بدین منظور تربیت شده باشند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴)

کتاب فاخر نام انسان ۲۵۰ ساله در ۱۷ فصل برآمده از فرمایشات معظم له منتشر شد و فصل شانزدهم آن به تحلیل حیات ابناء الرضا علیهم السلام اختصاص دارد. هرچند که این نظریه در آثار و فرمایشات دیگر نیز امتداد داشته است.

۳. جایگاه شیعه در نیم قرن دوران ابناء الرضا علیهم السلام

در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام - به ویژه از زمان امیرالمؤمنین علیهم السلام تا دوران حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام - گسترش شیعه از لحاظ کمیت و کیفیت به حدی نبود که در این سه دوره مشاهده می‌شد. به گفته حضرت آیت الله خامنه‌ای ارتباطات شیعه در این زمان‌ها، به خصوص با وجود وکلای مختلف و نهادهای تشکیلاتی، از همیشه گسترده‌تر بود و در هیچ زمانی ارتباط شیعه و گسترش تشکیلاتی شیعه در سرتاسر دنیای اسلام، مثل زمان دوران این سه امام همام نبود.

دایره نفوذ ائمه و وسعت دایره شیعه در زمان این سه امام، نسبت به زمان امام صادق و امام باقر علیهم السلام شاید ده برابر است؛ یعنی این چیز عجیبی است. شاید علت این هم که اینها را این جور در فشار و ضیق قرار دادند، اصلاً

همین بود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰)

ایشان این دوران عجیب را دوران اختناق شدید نسبت به ائمه، و در عین حال دوران نشاط عجیب شیعه در سراسر دنیای اسلام معرفی می‌کند:

در هیچ زمانی از دوران زندگی ائمه، شیعیان این همه فعالیت و نشاط و تحرک و سازمان‌دهی و گسترش در دنیای اسلام نداشته‌اند که در دوران این سه امام -یعنی حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری- داشته‌اند و این در حالی است که این سه امام خودشان در مدینه و بغداد و سامرا زیر نظر و تحت فشارهای خیلی شدید قرار داشته‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۳/۵)

با توجه به شرایط سخت و غربت ائمه علیهم‌السلام می‌توان گفت که آن بزرگواران واقعاً در دوری از مدینه، خاندان و محیط مألوف خود بودند؛ به خصوص هرچه به پایان دوره حضرت عسکری علیه‌السلام منتهی می‌شد، این غربت بیشتر خود را نشان می‌داد. در این دوره حوزه نفوذ ائمه و وسعت دایره شیعه به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

به اعتقاد مقام معظم رهبری علت فشار و ضیق‌هایی که بر ائمه وارد شده بود، همین افزایش نفوذ آنها بود. مکاتبات افرادی همچون علی بن مهزیار و دیگران گواهی بر این حرکت عظیم و شبکه‌های تبلیغاتی و تعلیمی این سه امام بزرگوار از بعد از امام رضا تا زمان شهادت حضرت عسکری علیه‌السلام است. تمام این فعالیت‌ها نشان‌دهنده تلاش‌های ائمه و شیعیان در طول تاریخ، حتی با وجود شدت عمل حاکمیت، بوده و باید دید که در کنار غربت، عزت و عظمت آن بزرگواران نیز قابل توجه است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰)

در نگاه رهبری هرچند این ارتباطات شبکه عظیم تشیع، قبل از زمان حضرت رضا علیه‌السلام هم بوده، منتها آمدن حضرت به خراسان، تأثیر خیلی زیادی در این امر داشته است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۱۸) بعد از حرکت امام رضا علیه‌السلام به سمت خراسان، جریانات جدیدی به وقوع پیوست که نه تنها امید به ارتباطات شیعه را بالا برد، بلکه زمینه‌ای برای نهادینه شدن این ارتباطات فراهم کرد:

این حرکت امام رضا علیه السلام و آمدن آن حضرت، و بعد شهادت مظلومانه آن بزرگوار کاری کرد که این فضا دست ائمه علیهم السلام افتاد. آن وقت ائمه هم بنا کردند استفاده کردن. این نامه نگاری ها و این رفتن ها و مانند اینها را که می بینید، به شکل عادی که اتفاق نمی افتد؛ همه اینها در زیر یک پوششی از پنهان کاری اتفاق افتاده؛ والا اگر ظاهر بود که با آن شدت عملی که خلفا داشتند، می گرفتند دست و پایش را قطع می کردند. اینها را که شما مشاهده می کنید نشان دهنده آن حرکت عظیم و شبکه عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی این سه امام بزرگوار است؛ از بعد از امام رضا علیه السلام تا زمان شهادت حضرت عسکری علیه السلام. (خامنه ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰)

حضور امام رضا علیه السلام باعث ظهور شخصیتی در میان مردم شد که هم علم و هم عظمت، هم شکوه، هم صدق، هم نورانیت را جلوی چشم مردم به نمایش می گذاشت و مردم قبل از این، چنین شخصیتی را ندیده بودند. در هنگام عبور امام از آن مسیر طولانی، شیعیان به طور مستقیم از عظمت و صدق امام بهره مند شدند و این تجربه ای شبیه به مشاهده پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این هیبت معنوی و علم وسیع امام باعث شد تا مردم به شور و ولوله ای مبتلا شوند که در نهایت به مرو رسیدند. این ورود و سپس شهادت مظلومانه حضرت رضا علیه السلام داغ عجیبی بر دل مردم گذاشت و فضایی را ایجاد کرد که در آن شیعه ها به نقش آفرینی پرداختند.

آیت الله خامنه ای تصریح دارند که همه مردم شیعه نشدند، اما محبت اهل بیت علیهم السلام در دل ها نهاده شد و به همین دلیل شیعیان در این فضا شروع به فعالیت کردند. ایشان به ظهور اشعریین در قم اشاره می کنند و می فرمایند:

این افراد عرب با هدف ترویج حدیث و معارف اسلامی به قم آمدند و پایگاه های علمی جدیدی را ایجاد کردند. تأسیس چنین پایگاه هایی در قم و ری، به تسهیل فعالیت محدثین بزرگ شیعه چون کلینی و شیخ صدوق در مناطق مختلف منجر شد.

شما ببینید شیخ صدوق رحمته الله تا هرات و خراسان و مانند اینها همین طور رفته

و برای شیعه حدیث جمع می‌کند؛ این خیلی مهم است. محدّثین شیعه در خراسان چه کار می‌کنند؟ محدّثین شیعه در سمرقند چه کار می‌کنند؟ سمرقند کجاست؟ شیخ عیّاشی سمرقندی در خود سمرقند هم بوده؛ یعنی در همان شهر سمرقند بوده که [درباره خانه او گفته شده]: «كَانَتْ مَرْتَعًا لِلشَّيْعَةِ وَ أَهْلِ الْعِلْمِ»؛ (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۳۷۲) خود شیخ کُشی سمرقندی است).

رهبر انقلاب بر این نکته تأکید دارند که حرکت امام رضا (علیه السلام) و تأثیرات آن، فضایی را فراهم کرد که ائمه پس از ایشان توانستند از آن به خوبی بهره‌برداری کنند. ایشان نامه‌نگاری‌ها و رفت‌وآمدهای سخت، غیر عادی و پنهانی یاران با ائمه (علیهم السلام) - به خصوص در شهر سامرا در دوران خفقان و شدت عمل خلفا، و به خصوص در دوره متوکل - را نشان‌دهنده حرکت و شبکه عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی این سه امام بزرگوار می‌دانند:

یک چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده. آن وقت [همه] اینها در همان شهر سامرا، که در واقع سامرا یک پادگان بود، [رخ داد]. «سُرَّ مَنْ رَأَى» یک شهر بزرگ آنچنانی نبود [بلکه] شهری بود، پایتختی بود که تازه درست کرده بودند و سران و اعیان و رجال حکومت و به قدری از مردم عادی که حوایج روزمره را رفع کنند [حضور داشتند]. سُرَّ مَنْ رَأَى یا سامرا بعد از بغداد یک شهر نوپدید بود. در این شهر سامرا با آن همه شدت عمل، این دو بزرگوار - یعنی حضرت هادی و حضرت عسکری (علیهم السلام) - توانستند این همه ارتباطات را با سرتاسر دنیای اسلام تنظیم کنند. اینها خیلی مهم است؛ یعنی ما این ابعاد زندگی ائمه را وقتی نگاه کنیم می‌فهمیم اینها چه کار داشتند می‌کردند. آن وقت فقط هم این نبود که مسئله نماز و روزه یا طهارت و نجاست جواب بدهند. در موضع «امام» با همان معنای اسلامی خودش قرار می‌گرفتند و در موضع «امام» با مردم خودشان حرف می‌زدند.

این بُعد به نظر من در کنار این ابعاد قابل توجه است و لذا است که شما می‌بینید حضرت هادی (علیه السلام) را که از مدینه سامرا می‌آورند و در آن سنین جوانی - مثلاً ۴۲

سالگی - حضرت به شهادت می‌رسند؛ حضرت عسکری در ۲۸ سالگی به شهادت می‌رسند. اینها همه نشان‌دهنده حرکت عظیم ائمه علیهم‌السلام و شیعیان و اصحاب آن بزرگوارها در سرتاسر تاریخ بوده. با اینکه دستگاه حاکم، دستگاهی پلیسی با شدت عمل بود؛ در عین حال این جور ائمه علیهم‌السلام موفق شدند؛ غرض [اینکه]، در کنار غربت، این عزت و این عظمت را هم باید دید.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰)

حیات فرهنگی

ابناء الرضا علیهم‌السلام در شرایط دشوار و تحت شدیدترین نظارت و محدودیت‌های حکومت عباسی حیات فرهنگی پربار و تأثیرگذاری را سامان دادند. تلاش‌های فرهنگی آنان - که در راستای تأسیس، ترویج و تحکیم فرهنگ ناب اسلامی بود - نقشی حیاتی در حفظ هویت شیعه و غنابخشی به میراث اهل بیت علیهم‌السلام ایفا کرد. این حیات فرهنگی را می‌توان در محورهای زیر بسط داد:

۱. نهادسازی علمی بر محور نقش آفرینی شاگردان

یکی از ابعاد مهم فعالیت‌های فرهنگی ابناء الرضا علیهم‌السلام تربیت شاگردان فرهیخته و عالم بود. پرورش افرادی که هم عمیقاً به مبانی دینی مسلط باشند و هم توان پاسخگویی به نیازها و شبهات زمانه را داشته باشند. در نگاه رهبر انقلاب، ائمه اطهار علیهم‌السلام با انتقال علم و دانش به شاگردان خود، موجب گسترش و توسعه معارف اسلامی شدند. تأثیر شاگردان در گسترش آموزه‌های اسلامی باعث شد که فرهنگ اسلامی در نقاط مختلف جهان اسلام منتشر شود.

ابناء الرضا علیهم‌السلام در اوج خفقان و نظارت شدید حکومت عباسی، به‌ویژه دوران حصر در سامرا، با هوشمندی و استمرار جهاد علمی، به تربیت گروهی از برجسته‌ترین عالمان و محدثان شیعه همت گماشتند. این شاگردان نه تنها حافظان میراث حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام بودند، بلکه فقیه، متکلم، مفسر و اندیشمندانی پرورش یافتند که توان پاسخگویی به شبهات فکری و نیازهای دینی جامعه را داشتند. نام‌هایی مانند: عبدالعظیم حسنی،

فضل بن شاذان نیشابوری، احمد بن اسحاق قمی، محمد بن عثمان عَمری، علی بن مهزیار اهوازی، حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن هاشم قمی گواهی روشن بر موفقیت این مکتب تربیتی است. رهبر انقلاب شخصیت جناب عبدالعظیم حسنی را برای بیشتر مردم ناشناخته می‌داند و معتقد است:

ایشان هم یک شخصیت علمی، و هم یک شخصیت جهادی بود و هم ابتکاراتی داشته است.. ایشان به دلیل شخصیت جهادیشان با حال اختفا و فرار، به ری آمده بودند. شیخ نجاشی می‌گوید: «حاربا من السلطان». ایشان از دست خلیفه عباسی از عراق و حجاز گریخت و به ری آمد. چون ری مرکز و محل تجمع شیعیان بود، ایشان اینجا را مأمن خوبی برای خودشان یافتند. شیعه و محدّث زیاد بوده‌اند - هم در مدینه، هم در عراق - اما همه اینها مجبور نبوده‌اند از دست خلیفه بگریزند، این مبارز بودن ایشان را نشان می‌دهد. مشخص می‌شود ایشان اهل نشر معارف امامت بوده، به خصوص در دوران حضرت جواد و حضرت هادی [علیه‌السلام] که ایشان حداقل راوی این دو امام است. در فضیلت ایشان روایات معروفی وارد شده است. حضرت هادی به یکی از اهلالی ری، که از زیارت امام حسین می‌آمد، فرمودند: «اگر می‌رفتی عبدالعظیم را زیارت می‌کردی، ثوابی که از زیارت امام حسین [علیه‌السلام] به تو داده‌اند همین را به تو می‌دادند». مادر جوار جناب عبدالعظیم زندگی می‌کنیم، شوق کربلا هم داریم، اما کمتر توفیق پیدا می‌کنیم به زیارت این بزرگوار برویم. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۳/۵)

شاگردان ابناءالرضا (علیهم‌السلام) نه تنها معارف را منتشر کردند، بلکه پایه‌گذار مکاتب علمی و مراکز فکری شدند؛ برای مثال مکتب قم با تلاش‌های شاگردانی چون ابراهیم بن هاشم قمی و احمد بن اسحاق قمی به عنوان قلعه مستحکم حدیث و فقه امامیه در قرن سوم هجری شکل گرفت. رهبر انقلاب احمد بن اسحاق قمی را به عنوان یکی از محدثان برجسته قرون اولیه اسلام دانسته و یادآور شده‌اند:

احمد بن اسحاق مقام بسیار بالایی در بین خود اشعریین دارد؛ بعضی شاگردها نزدیک او هستند، بعضی هم از او روایت کرده‌اند. او وافد القمیین، یعنی نماینده قمی‌ها، در نزد ائمه علیهم‌السلام بود؛ به این معنا که وجوهات را می‌برد و مسئله می‌پرسید. یکی از این روایت می‌گوید: با احمد بن اسحاق خدمت حضرت آمدیم، کیسه بزرگی روی دوشش بود، پول مردم بود، کاغذها را می‌برد خدمت امام هادی علیه‌السلام، امام جواد و امام عسکری علیهم‌السلام. ایشان در دوره امام زمان علیه‌السلام شبیه نواب اربعه بوده، شخصیت بزرگی است؛ کأن خواص ابی محمد. امام عسکری علیه‌السلام ولادت حضرت حجت علیه‌السلام را به او خبر داد که این نشان‌دهنده کمال رفاقت امام با اوست، شخصیت احمد بن اسحاق خیلی بالا و بلند است؛ خوب است که مردم بشناسند و در بین اهل علم معرفی شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۱۱)

از این رو تربیت شاگردان عالم و ایجاد شبکه‌های علمی به وسیله ابناء الرضا علیهم‌السلام تنها یک فعالیت آموزشی صرف نبود، بلکه استراتژی هوشمندانه‌ای برای «تمدن‌سازی اسلامی» و «حفظ هویت شیعی» در آستانه دوران غیبت بود. این شاگردان، ستون‌های فکری و دینی جامعه شیعه شدند و با تلاش‌هایشان معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام را در گستره جهان اسلام نهادینه کردند، بنیان‌های علمی تشیع را استحکام بخشیدند و الگویی زنده از نظام آموزشی هدفمند و اثرگذار ارائه دادند که الهام‌بخش جوامع اسلامی در همه اعصار، به‌ویژه عصر حاضر، است.

۲. ترویج معارف در قالب زیارت

شناخت معصومان علیهم‌السلام و همچنین معارف شیعی ارتباط مستقیمی با زیارت بهتر و موثرتر آنان دارد، از این رو بسیاری از زیارتنامه‌های معتبر، تصویر زیبایی از جایگاه الهی ایشان ارائه می‌دهد و ما را به شناخت آنان نزدیک می‌کند.

به دلیل گسترش معارف شیعی نیازی به وجود آمد که این معارف از زبان ائمه معصومین علیهم‌السلام منتشر شود. امام هادی علیه‌السلام در این راستا اقدام کردند و معارف را از طریق زیارت‌های مهمی، همچون زیارت جامعه و زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر، گسترش

دادند. رهبر انقلاب در این زمینه معتقد است:

به خاطر همین گسترش هم بوده که نیاز به این وجود داشته که معارف شیعی از زبان این بزرگوارها گسترش پیدا کند. این کار را هم حضرت هادی علیه السلام انجام دادند؛ هم با زیارت جامعه، که خب فوق العاده است، هم با زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر؛ شما نگاه کنید در این زیارت، که درباره فضایل امیرالمؤمنین است، چقدر از آیات قرآن استفاده شده! این حضور ذهن، این تسلط بر مطلب، این ارائه حقایق با این شکل، جز از امام هادی علیه السلام، [جز] از امام، از کس دیگری اصلاً برنمی آید؛ این [کار] را این بزرگوارها انجام دادند. اگر تلاش حضرت هادی علیه السلام نبود، ما امروز زیارت جامعه را نداشتیم و آن معارف منحصر به فردی که در این زیارت وجود دارد، در اختیار شیعه نبود.

۳. بسط معارف در قالب بیان احادیث

بسط معارف اسلامی از طریق بیان و ترویج احادیث، یکی از روش های کارآمد و عمیق در انتقال و توسعه آموزه های دینی به شمار می رود. این روش نه تنها به تبیین مفاهیم و اصول دینی یاری می رساند، بلکه پیوندی ژرف میان سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام و شیوه زندگی پیروان آنها ایجاد می کند. رهبر انقلاب در تبیین این جنبه حیاتی از سیره ائمه، به ویژه ابناء الرضا، می فرماید:

بعضی تاریخ خوانده اند، [اما] حدیث نخوانده اند و از کلمات ائمه در این روایات مطلع نیستند؛ عیب بزرگ کار اینها این است. تاریخ ائمه را هم بیش از همه، از درون خود این احادیث می شود فهمید که در زندگی اینها، در جابه جایی اینها، در اعلام وصایت اینها، در هر کدامشان چه اتفاقی افتاده است. خود همین اعلام وصایت حضرت هادی یک داستان عجیبی دارد که لابد در کافی ملاحظه کرده اید که احمد بن محمد بن عیسی آنجا نقش دارد و کار دارد و حرف دارد و بحث به مباحثه می کشد و مانند اینها. اینها خیلی مهم است.

۴. نمادسازی هویت شیعی

نمادها نقشی بی‌بدیل در حفظ هویت و انتقال معانی عمیق به نسل‌های آینده ایفا کرده‌اند. مذهب شیعه با بهره‌گیری از سنت‌های نمادین، هوشمندانه توانسته است در پرتو سخت‌ترین شرایط تاریخی، نه تنها هویت خود را حفظ کند، که به گسترش و تعمیق آن در لایه‌های مختلف اجتماعی بپردازد. سخن امام حسن عسکری علیه السلام درباره پنج نشانه مؤمن، (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۵۲) نمونه‌ای درخشان از این مهندسی هویتی است که در آن، عناصر به ظاهر ساده عبادی و اجتماعی، به ابزاری کارآمد برای حفظ انسجام، انتقال معارف و مرزبندی اعتقادی تبدیل شده‌اند.

این حدیث سندی راهبردی است که نشان می‌دهد ائمه علیهم السلام چگونه با درک عمیق از نیازهای تاریخی شیعیان، سیستم نمادینی را طراحی کرده‌اند که هم در سطح فردی و هم در بستر اجتماعی عمل می‌کند. از ۵۱ رکعت نماز به عنوان برنامه روزانه تربیتی گرفته تا زیارت اربعین به عنوان کنگره سالانه شیعیان جهان، این نمادها همچون حلقه‌های زنجیر، فرد مؤمن را به شبکه گسترده امت اسلامی متصل می‌سازد. رهبر انقلاب بر محور روایت امام عسکری علیه السلام، زیارت اربعین را تعیین می‌عاد شیعیان در سرزمین کربلا می‌شمارند و در تحلیل آن معتقدند:

شیعه یک جمع متفرقی بود؛ یک جامعه‌ای بود که در یک جا و در یک مکان زندگی نمی‌کرد؛ در مدینه بودند، در کوفه بودند، در بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند، اطراف و اکناف بلاد، اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای متشتت در جریان است؛ مثل دانه‌های تسبیح، یک رشته و یک نخ، همه اینها را به هم وصل می‌کرد.

آن رشته چه بود؟ رشته اطاعت و فرمان‌بری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع؛ یعنی امام؛ همه این رشته‌ها به آنجا متصل می‌شد؛ قلبی بود که به همه اعضا فرمان می‌داد؛ و به این ترتیب تشیع یک سازمان و یک تشکیلات بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند، اما بودند کسانی که از حال

همه باخبر بودند. اطاعت و فرمان‌بری آنها به حساب، فریاد زدنشان از روی دستور، سکوتشان برطبق نقشه، همه چیزشان با حساب.

فقط کار آنها یک عیبی داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می‌دیدند. اهل یک شهر و شیعیان یک منطقه، البته یکدیگر را می‌دیدند، اما یک کنگره جهانی برای شیعیان روزگار ائمه علیهم‌السلام لازم بود. این کنگره جهانی را معین کردند، وقتش را هم معین کردند؛ گفتند در این موعده معین، در آن کنگره هرکس بتواند شرکت کند. آن موعده، روز اربعین است و جای شرکت، سرزمین کربلاست؛ چون روح شیعه روح کربلایی است، روح عاشورایی است؛ در کالبد شیعه تپش روز عاشورا مشهود است؛ شیعه هر جا که هست دنباله‌روی عاشورای حسین است. این است که می‌بینیم همه جا این تپش‌هایی که در شیعه مکشوف شده، از آن مرقد پاک ناشی است؛ اینها شعله‌هایی بوده که از آن روح مقدس و پاک و از آن تربت عالی مقدار سرکشیده، به جان‌ها و روح‌ها زده، انسان‌ها را به گلوله‌های داغی تبدیل کرده و آنها را به قلب دشمن فرو برده است. (خامنه‌ای، ۱۳۵۲/۱۲/۲۴)

۵. بنیان‌گذاری مباحثات آزاد

در تاریک‌ترین دوران حکومت عباسیان، زمانی که سیاست سرکوب و انحصار فکری به ابزار اصلی خلفا برای حفظ قدرت تبدیل شده بود، ابناء الرضا علیهم‌السلام صحنه‌ای بی‌نظیر از مبارزه فرهنگی را رقم زدند. مناظره تاریخی امام جواد علیه‌السلام با یحیی بن اکثم، که در اوج اختناق مأمون عباسی و با حضور سران حکومت برگزار شد، یکی از جلوه‌های زیبای حیات امام است که بر اصولی چون حقانیت اندیشه شیعی، شجاعت عقلانی و الگوسازی روش‌مند در مباحثات علمی تأکید می‌کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای با تکیه بر شکوه علمی امام، این بزرگوار را نشانه مقاومت می‌شمرد؛ زیرا تمام دوران کوتاه زندگی‌اش را با قدرت مژور و ریاکار خلیفه عباسی (مأمون) مقابله و معارضه کرد و هرگز قدمی عقب‌نشینی نکرد. او تمام شرایط دشوار را تحمل، و با همه

شیوه‌های ممکن مبارزه کرد. همچنین اولین کسی بود که به طور علنی بحث آزاد را بنیان‌گذاری کرد. در محضر مأمون عباسی، با علما، داعیه‌داران، مدعیان و موجهان درباره دقیق‌ترین مسائل حرف زد و استدلال کرد و برتری خود و حقانیت سخن خود را ثابت کرد. بحث آزاد، میراث اسلامی ماست. (خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۲/۵)

این واقعه مهم تاریخی در شرایطی رخ داد که مأمون عباسی با ترفندی ظاهراً دوستانه، اما در باطن خصمانه، به ازدواج امام جواد (علیه السلام) با دخترش ام‌فضل تصمیم گرفت. این اقدام، که یادآور سیاست مأمون در قبال امام رضا (علیه السلام) بود، با مخالفت شدید عباسیان مواجه شد. آنان از این می‌ترسیدند که این وصلت سیاسی ممکن است به تدریج موجب انتقال قدرت از بنی عباس به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) شود. در این فضای ملتهب سیاسی، امام جواد (علیه السلام) با درایت و هوشمندی تمام، این موقعیت به ظاهر دشوار را به فرصتی طلایی برای اثبات برتری علمی مکتب تشیع تبدیل کردند.

در جریان این مناظره که با دقت تمام از سوی دربار عباسی طراحی شده بود، یحیی بن اکثم با طرح مسئله فقهی «حکم صید محرم» می‌خواست امام جوان را در تنگنای علمی قرار دهد. اما پاسخ امام (علیه السلام)، که با طرح یازده پرسش تفصیلی همراه بود، نه تنها تمام زوایای پیچیده این مسئله فقهی را روشن کرد، بلکه نشان داد فقه جعفری سیستمی زنده، پویا و همه‌جانبه‌نگر است که قادر است به تمام نیازهای پیچیده جامعه پاسخ گوید. این رویکرد علمی امام (علیه السلام) چنان یحیی بن اکثم را به تحیر انداخت که حضار به وضوح شکست او را در چهره‌اش مشاهده کردند.

اوج این مناظره زمانی بود که امام (علیه السلام) با طرح مسئله‌ای پیچیده درباره زنی، که در طول روز به دفعات وضعیت حلیت و حرمتش تغییر می‌کرد، نه تنها برتری علمی خود را به اثبات رساندند، بلکه به شکلی ظریف و عمیق، نارسایی‌های سیستم قضایی عباسیان را نیز به نمایش گذاشتند. این حرکت هوشمندانه امام (علیه السلام) چنان تأثیری بر مأمون گذاشت که ناگزیر به اعتراف برتری علمی اهل بیت (علیهم السلام) شد.

این مناظره تاریخی، که در شرایطی کاملاً نابرابر به وقوع پیوست، نه تنها حقانیت علمی مکتب اهل بیت علیهم السلام را به اثبات رساند، بلکه الگویی ماندگار از گفت‌وگوی آزاد، استدلال محور و علمی را پایه گذاشت که تا امروز می‌تواند سرمشق جامعه علمی و دینی ما باشد. امام جواد علیه السلام در این مواجهه تاریخی نشان دادند که چگونه می‌توان در سخت‌ترین شرایط سیاسی و با وجود تمام محدودیت‌ها، با تکیه بر منطق و استدلال، هیبت ظاهری نظام‌های جور را در هم شکست. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ج ۲ ص ۲۸۱)

حیات اجتماعی و سیاسی

امامت و رهبری ابناء الرضا علیهم السلام در تاریخ اسلام نه تنها نقش دینی، بلکه جایگاهی بی‌بدیل در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی داشته است. این حیات اجتماعی - سیاسی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و مقاومت‌های مستمر امامان معصوم علیهم السلام در برابر حکومت‌های ظالم و سیاسی، با هدف هدایت امت به سوی عدالت، حفظ اصول دین و ایجاد ساختارهای منسجم اجتماعی بوده است. امامت، فراتر از مقام و قدرت ظاهری، حامل پیام الهی و استواری راه حق در برابر ظلم و استبداد بوده است؛ پیام آوری که با ایجاد شبکه‌های ارتباطی و نهادسازی توانسته در دوران‌های مختلف جامعه شیعی را از انحراف و فروپاشی حفظ کند و در گستره وسیع جهان اسلام، امید و روشنی بخش مردم باقی بماند.

۱. داعیه امامت و حکومت

امامت نه تنها جایگاه رهبری دینی و سیاسی در جامعه اسلامی، بلکه حقیقتی عمیق و بنیادین است که در وجود اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تثبیت شده است. امامت صرفاً یک منصب یا قدرت ظاهری نیست، بلکه حقیقتی است که با شناخت کامل دین، تبیین آموزه‌های وحیانی، و تربیت امت همراه بوده و درونمایه آن، وظیفه هدایت انسان‌ها به سوی کمال و تحقق عدالت است. ائمه علیهم السلام با تثبیت این جایگاه در دل‌ها و جان مردم، همواره بر پیوند ناگسستنی خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و راهبری امت تأکید کردند و مقاومت جانانه‌شان در برابر

فسادهای حکومتی و تلاش‌های حاکمان ظالم، پاسخی بی‌مانند به تلاش‌های آنان برای تضعیف امامت بود؛ با این نگاه که امامت حقیقتی زنده و پویاست که هرگز تسلیم فشارها و موانع مادی نشده و همچنان چراغ راهبخش جامعه اسلامی باقی می‌ماند.

در نگاه مقام معظم رهبری، مسئله امامت، مخصوص مسلمان‌ها یا شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی یا گروهی بر جامعه‌ای حکمرانی می‌کنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا، معنویت و آخرت مشخص می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۴) و بدیهی است که دشمنان، امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) و زمامداری امت از سوی ایشان را بر نمی‌تابیدند.

رهبر انقلاب معتقدند حاکمان وقت، به ویژه خلفای عباسی که خود را نمایندگان دین می‌دانستند، به دلیل داعیه امامت و مرجعیت دینی اهل بیت (علیهم‌السلام) با آنان دشمن بودند.

این بزرگان همواره در مبارزه‌ای مستمر و با ماهیتی سیاسی قرار داشتند؛ چون حکومت‌ها علاوه بر قدرت دنیوی، داعیه دینداری و رهبری مذهبی نیز داشتند. آنها ظواهر دین را رعایت می‌کردند و حتی گاهی نظرات دینی امام را می‌پذیرفتند؛ چنان که مأمون به طور آشکار فتوای امام رضا (علیه‌السلام) را قبول کرد. این نشان می‌دهد که حکام گاه از نظر فقهی نیز به پذیرش برخی دیدگاه‌های ائمه ناچار می‌شدند.

اما علت اصلی این مبارزه بر سر این بود که اهل بیت (علیهم‌السلام) خود را امام و پیشوای الهی می‌دانستند و به این واقعیت پایبند بودند. حضرت باقر (علیه‌السلام) در منا به صراحت فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ» و سپس امامان معصوم را نام برد و در نهایت گفت: «وَأَنَا الْإِمَامُ». این تأکید بر امامت، بزرگ‌ترین تهدید برای حاکمان بود؛ چرا که آنان خود را امام و رهبر جامعه می‌دانستند، اما شواهد و شرایط امامت، که در اهل بیت (علیهم‌السلام) بود، در آنها نبود. بنابراین ائمه (علیهم‌السلام) را خطر بزرگی برای موقعیت خود می‌شمردند؛ به همین دلیل حکام با روح مبارزه اهل بیت (علیهم‌السلام) به شدت مقابله می‌کردند، اما ائمه (علیهم‌السلام) همچون کوهی استوار ایستاده بودند.

این جدال تنها به مسائل سیاسی محدود نبود، بلکه معرفت دینی، احکام فقهی و

اخلاقی ائمه نیز نقش مهمی در حفظ و گسترش مکتب شیعه داشت. آنان شاگردان فراوان تربیت کردند و شبکه ارتباطی شیعیان را گسترش دادند، به گونه‌ای که با وجود بیش از دوپست سال مبارزه و فشار حکومت‌ها، شیعه از بین نرفت و روزه روز رونق گرفت و گسترش یافت. این واقعیت را می‌توان در اشعاری که درباره امام صادق علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام سروده شده است، به خوبی دید. این بزرگان برای مبارزه و حفظ راه امامت، حتی جان خود را فدا کردند. مسیر آنان را می‌توان راهی صعب و پر پیچ و خم دانست که با وجود ناملایمات، به هدفی واحد و بلند مدت، یعنی حفظ امامت و هدایت جامعه، پیوسته ادامه یافته است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۳۰)

رهبر انقلاب از کوشش امام جواد علیه السلام برای حکومت الله یاد کرده (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۶/۱۷) و هدف ائمه علیهم السلام را ایجاد حکومت اسلامی دانسته و به این روایت استناد کرده که وقتی به امام حسن مجتبی علیه السلام اعتراض کردند که چرا شما صلح کردید، از جمله حرف‌هایی که مکرراً از حضرت مجتبی علیه السلام نقل شده این است که می‌فرماید: «ما تَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ». (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۴) این کار یک زمان، آمد دارد و سرآمد دارد. شما چه می‌دانید؟ یعنی این وعده است. (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۲/۱۹)

۲. نهادسازی و شبکه‌سازی بر محور نظام وکالت

در عصر ابن‌الرضا علیه السلام ایجاد ساختارهای منسجم، مانند نهاد «وکالت»، نقش بسیار مهمی در انتقال معارف دینی، هدایت فکری شیعیان و حفظ وحدت جامعه شیعی در گستره جغرافیایی وسیع داشت. این نهاد به عنوان یک شبکه علمی و سازمان یافته، ضمن پاسخگویی به نیازهای شرعی و اعتقادی مخاطبان زیر نظر امام، وظایف مدیریت، حمایت و نظارت بر امور مربوط به شیعیان را بر عهده داشت.

امامان شیعه با توجه به مقتضیات زمانی و موقعیت جغرافیایی، تشکیلات وکالت را پایه‌گذاری کردند و توسعه دادند تا بتوانند با شیعیان در دورترین نقاط جهان اسلام ارتباطی مطمئن برقرار کنند و نیازهای دینی و شرعی آنان را پاسخ دهند. وکلانه تنها نمایندگان امام

در امور مختلف بودند، بلکه نقش مرجع علمی، آموزگار و مبلغ دین را نیز ایفا می‌کردند. این افراد اغلب از شاگردان برجسته امامان بودند و در مناطق شیعه‌نشین - مانند قم، کوفه، بصره، ری، یمن، مصر، ... - و غیره فعالیت داشتند. آنها امور شرعی و مالی را انجام می‌دادند و به سؤالات شرعی و دینی شیعیان به صورت حضوری یا مکاتبه پاسخ می‌دادند. نهاد وکالت علاوه بر وظایف اداری و نظارتی، در تربیت شاگردان، حفظ و انتقال احادیث و تدوین آثار دینی نقش مؤثری داشت و به این ترتیب به توسعه و تعمیق معارف ناب اسلامی در گستره وسیعی از جهان اسلام کمک کرد. وجود این شبکه از بروز انحرافات فکری و فرقه‌سازی‌های مخرب جلوگیری کرد و موجب حفظ وحدت و انسجام جامعه شیعی شد. (شریف قریشی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از این شبکه شکوهمند شیعی چنین یاد می‌کند:

در هیچ زمانی ارتباط شیعه و گسترش تشکیلاتی شیعه در سرتاسر دنیای اسلام، مثل زمان حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری علیه السلام نبوده است. وجود وکلا و نواب، و همین داستان‌هایی که از حضرت هادی و حضرت عسکری علیه السلام نقل می‌کنند نشان‌دهنده این معناست؛ یعنی علی‌رغم محکوم بودن این دو امام بزرگوار در سامرا، و قبل از آنها هم حضرت جواد به نحوی، و حضرت رضا علیه السلام به نحوی، ارتباطات با مردم همین‌طور گسترش پیدا کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۱۸)

ایشان به گستره این شبکه در عصر امام هادی علیه السلام چنین اشاره می‌کند:

در شهر سامرا عده‌ای از بزرگان شیعه جمع شدند و حضرت هادی علیه السلام توانست آنها را اداره کند و به وسیله‌ی آنها پیام امامت را به سرتاسر دنیای اسلام برساند. این شبکه‌های شیعه در قم، خراسان، ری، مدینه، یمن و در مناطق دوردست را همین عده توانستند رواج بدهند و تعداد افراد مؤمن به این مکتب را زیادتر کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۳۰)

۳. مقابله با ظلم و استبداد حکومت‌های عباسی

در دوران حکومت عباسیان، ابناء الرضا علیهم‌السلام با مقاومت‌های هوشمندانه و مقابله با ظلم و استبداد حاکمان به الگوهایی برجسته برای ایستادگی در برابر قدرت‌های نامشروع تبدیل شدند. این مقاومت‌ها از طریق آموزش‌های مخفی و هدایت شیعیان، زنده نگه داشتن آرمان‌های اسلامی و حفظ جامعه شیعی انجام شد. آنها با تأکید بر مبارزه با فساد و حمایت از مستضعفان، به قدرت‌های حاکم نشان دادند که پایبندی به اصول اسلامی چگونه می‌تواند جوامع را در برابر ظلم مستحکم نگه دارد.

زندگی و عملکرد ابناء الرضا علیهم‌السلام نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در شرایط سخت اجتماعی و سیاسی، با تأکید بر اصول دینی به مقاومت پرداخت. آنها در برابر فشارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، نه تنها تسلیم نشدند بلکه برای زنده نگه داشتن آرمان‌های اسلامی با هوشیاری عمل کردند. این نوع رفتار، برای مبارزه همراه با حفظ ارزش‌ها در شرایط دشوار الگو ارائه می‌دهد.

رهبر انقلاب امام جواد علیه‌السلام را مظهر مبارزه با باطل دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۶/۱۷) و تأکید دارند که درس بزرگ امام جواد علیه‌السلام به ما این است که در مقابل قدرت‌های منافق و ریاکار، باید همت کنیم که هوشیاری مردم را برای مقابله با این قدرت‌ها برانگیزیم. امام جواد علیه‌السلام بر این کار همت گماشتند که ماسک تزویر و ریا را از چهره مأمون کنار بزنند و موفق شدند. (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۷/۱۸)

ایشان بر این باورند که:

زندگی امام جواد علیه‌السلام به جهاد با کفر و طغیان گذشت. در نوجوانی به رهبری امت اسلام منصوب شد و در سال‌هایی کوتاه، با دشمن خدا جهادی فشرده کرد؛ به طوری که در سن ۲۵ سالگی، یعنی هنوز در جوانی، وجودش برای دشمنان خدا غیر قابل تحمل شد و او را با زهر شهید کردند. همان طوری که ائمه دیگر علیهم‌السلام با جهاد خودشان هر کدام برگی بر تاریخ پر افتخار اسلام افزودند، این امام

بزرگوار هم گوشه مهمی از جهاد همه جانبه اسلام را در عمل خود پیاده کرد و درس بزرگی را به ما آموخت. آن درس بزرگ این است که در هنگامی که در مقابل قدرت‌های منافق و ریاکار قرار می‌گیریم، باید همت کنیم که هوشیاری مردم را برای مقابله‌ی با این قدرت‌ها برانگیزیم.

اگر دشمن، صریح و آشکار دشمنی بکند و اگر ادعا و ریاکاری نداشته باشد، کار او آسان‌تر است. اما وقتی دشمنی مانند مأمون عباسی چهره‌ای از قداست و طرفداری از اسلام برای خود می‌آزاید، شناختن او برای مردم مشکل است. در دوران ما و در همه دوران‌های تاریخ، قدرتمندان همیشه سعی کرده‌اند وقتی از مقابله رویاروی با مردم عاجز شدند دست به حيله ریاکاری و نفاق بزنند. امام جواد علیه السلام می‌خواست به مردم بگوید که من طرفدار اسلام و طرفدار خاندان پیغمبرم. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بر این همت گماشتند که این ماسک تزویر و ریا را از چهره مأمون کنار بزنند و موفق شدند. (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۷/۱۸)

آیت‌الله خامنه‌ای به زندگی جهادگونه امام هادی علیه السلام اشاره کرده و بیان می‌دارند:

امام با دید یک انسان مبارز به دربار متوکل رفت و مجلس شراب او را به مجلس معنویت تبدیل کرد؛ یعنی او را مغلوب کرد؛ به طوری که در آخر حرف‌هایش متوکل برای حضرت عطر آورد و او را با احترام بدرقه کرد. در مبارزه‌ای که شروع‌کننده آن، خلیفه‌ای تندخو و قدرتمند بود، امام هادی دست به یک جنگ روانی زد؛ مبارزه‌ای که در آن نیزه و شمشیر کاربرد ندارد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۳۰)

۴. ارتباط گسترده با دنیای اسلام

در عصر ابن‌الرضا علیه السلام، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی و فشارهای حکومت‌های جور عباسی، نیازمند راهکارهای نوین برای برقراری ارتباط مستمر و مؤثر با پیروان بود. این امامان بزرگوار با استفاده از شبکه‌های گسترده علمی و تشکیلاتی توانستند پیوندی عمیق

و مستحکم میان خود و شیعیان در نقاط مختلف جهان اسلام برقرار کنند.

زمانی که حضرت هادی و عسکری علیه السلام در سامرا مستقر شدند، درحالی که این شهر پایتخت نوپایی بود و فضای آن بیشتر نظامی و حکومتی به نظر می‌رسید، آن بزرگواران موفق شدند شبکه‌ای گسترده از ارتباطات با مسلمانان و شیعیان ایجاد کنند. این شبکه به گونه‌ای بود که حتی با سختگیری‌ها و فشارهای دستگاه خلفا، ارتباط میان امامان و پیروان با شیعیان سراسر جهان اسلام حفظ و تقویت می‌شد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره معتقدند:

وقتی ما ابعاد زندگی ائمه را نگاه کنیم، می‌فهمیم اینها چه کار می‌کردند. بنابراین فقط این نبود که اینها مسائل نماز و روزه یا طهارت و نجاسات را جواب بدهند؛ در موضع «امام»، با همان معنای اسلامی خودش، قرار می‌گرفتند و با مردم حرف می‌زدند. به نظر من این بعد در کنار این ابعاد قابل توجه است. شما می‌بینید که حضرت هادی را از مدینه به سامرا می‌آورند و در سنین جوانی، چهل و دو سالگی، ایشان را به شهادت می‌رسانند؛ یا حضرت عسکری علیه السلام در بیست و هشت سالگی به شهادت می‌رسند؛ اینها همه نشان‌دهنده حرکت عظیم ائمه علیهم السلام و شیعیان و اصحاب آن بزرگوارها در سرتاسر تاریخ بوده. با اینکه دستگاه خلفا، دستگاه پلیسی با شدت عمل بود، در عین حال ائمه علیهم السلام این‌گونه موفق شدند. غرض، در کنار غربت، این عزت و عظمت را هم باید دید. (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۰)

امامان علیهم السلام بر دامنه وظایف صرفاً پاسخ به مسائل عبادی و فقهی فراتر رفتند و به عنوان رهبران و حاکمان معنوی، پیوندی عمیق و زنده با مردم برقرار کردند؛ کاری که در دوره‌ای که فشار و سرکوب دستگاه‌های حکومتی بسیار شدید بود، کاری شگفت‌انگیز و بی‌نظیر محسوب می‌شود. شهادت زودرس امام هادی و عسکری علیه السلام در جوانی، نشانه‌ای از حرکت بزرگ و پرشور آنها و پیروانشان در تاریخ است. رهبر انقلاب می‌فرماید:

حضرت عسکری علیه السلام در همان شهر سامرا، که در واقع مثل یک پادگان بود، توانسته بودند با یک شبکه عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی این همه ارتباطات را با سرتاسر دنیای اسلام تنظیم کنند. فقط این نبود که مسائل نماز و روزه یا طهارت و نجاسات را جواب بدهند؛ در موضع «امام» با همان معنای اسلامی خودش قرار می‌گرفتند و با مردم حرف می‌زدند. (خامنه‌ای، ۲۰/ ۱۳۸۲)

حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره این ارتباط عمیق و مستحکم می‌فرمایند:

عده‌ای از شیعیان فکر می‌کردند که امام عسکری علیه السلام از راه پدرانش منصرف شده. امام عسکری علیه السلام در نامه‌ای به آنها می‌فرمایند: «نیت و عزم ما همچنان مستحکم است. ما دلمان به خوش‌نیتی و خوش‌فکری شما آرام است»؛ ببینید چقدر این برای شیعیان نیروبخش است... این همان ارتباط مستحکم تشکیلاتی میان امام و پیروانش است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶)

امام عسکری علیه السلام حزب وفادار و پیروان نزدیک خود را خانواده‌ای صمیمی می‌دانستند و ارتباط میان آنان را نزدیکی تمام عیار، مثل ارتباط پدر و فرزند یا برادر می‌شمردند. رهبر انقلاب با این منظر معتقد است:

مؤمن برادر مؤمن است؛ یعنی ارتباط میان دو مؤمن، پیوند برادری پدر و مادری است، نه برادری ناتنی. مراد از مؤمن کیست؟ آن کس که دنبال راه امام عسکری علیه السلام است، این همان ارتباط مستحکم تشکیلاتی میان امام و پیروانش است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶)

علی‌رغم فضای سیاسی پرتنش و دستگاه‌های حاکمه سختگیر و مستبد، این ارتباط مستحکم و شبکه گسترده آنان موجب شد تا ضمن حفظ عزت و عظمت ائمه معصومین علیهم السلام و پیروانشان، پیام حق و فرهنگ ناب اسلام در پهنه وسیع دنیای اسلام با قوت و عمیق‌ترین شکل منتقل شود.

نتیجه‌گیری

دوران امامت فرزندان امام رضا (علیه السلام)، که به عنوان «ابناء الرضا (علیه السلام)» شناخته می‌شوند، مهمترین و درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ تشیع است. با وجود فشارهای شدید حکومت‌های عباسی، در این دوره شکوفایی چشمگیری در ابعاد علمی، فرهنگی و تشکیلاتی شیعه رقم خورد. این دوره بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، بخشی از حرکت مستمر و پیوسته ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برای حفاظت، توسعه و پاسداری از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) محسوب می‌شود که در قالب مبارزه‌های پیچیده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای تحقق اهداف الهی و تمدن‌سازی شکل گرفته است.

ابناء الرضا (علیهم‌السلام) با ایجاد شبکه‌های گسترده علمی، تربیت شاگردان برجسته، نهادسازی مؤثر (همچون نظام وکالت) و توسعه شیوه‌های آموزشی و تبلیغی، زیربنای احیای معارف دینی و حفظ هویت شیعی را در شرایط سخت خفقان فراهم کردند. این روش‌ها نه تنها به حفظ و گسترش تشیع انجامید، بلکه الگوهای عملی و ساختاری ارزشمند برای جامعه معاصر شیعه در مواجهه با فشارها و چالش‌های سیاسی و فرهنگی به ارمغان آورد.

علاوه بر این، این دوره از طریق نمادسازی‌های هویتی و برگزاری مباحثات علمی و سیاسی آزاد، هم جسارت مبارزه با ظلم و استبداد را تقویت کرد و هم پیوند عمیق و مستحکم میان امام و امت شیعه را حفظ نمود. این روابط مستحکم، علی‌رغم محدودیت‌های سیاسی، موجب گسترش نفوذ تشیع در سطح جهان اسلام و ارتقای کیفیت زندگی دینی و اجتماعی شیعیان شد.

از سوی دیگر تأکید بر تحقیق و ترویج زندگی این سه امام، در واقع دعوتی برای بازشناسی و بهره‌گیری از الگوهای موفق تربیتی و شبکه‌سازی علمی-فرهنگی است. این الگو دارای ویژگی‌های کلیدی است که برای جامعه معاصر درس آموز است؛ از جمله تولید محتوا و تدوین میراث مکتوب با اهتمام به کتابت و نشر علوم برای ماندگاری و جلوگیری از تحریف، و همچنین تربیت در شرایط سخت که اثبات می‌کند اهداف عالی فرهنگی و

علمی حتی تحت شدیدترین فشارهای سیاسی و امنیتی قابل پیشبرد است.

در نهایت حیات شکوهمند تشیع در عصر ابناءالرضا (علیهم السلام) همچون چراغ راهی در مسیر تحقق تمدن اسلامی، پاسداری از ارزش‌های دینی و پیوند ساختاری میان نسل‌های مختلف شیعه عمل می‌کند. این الگویی الهام‌بخش و بایسته برای شرایط معاصر جامعه اسلامی است که با پیروی از آن می‌توان در برابر فشارهای زمانه، همچنان مسیر رشد و تعالی را حفظ کرد.

منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۱۲)، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، بیروت، دارالاضواء.
۲. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، (۱۳۹۶)، دو امام مجاهد، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی،
۳. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، (۱۳۹۷)، هم‌زمان حسین، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله: بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام)، تهران، مرکز صهبا.
۵. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۱.
۶. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۷۶/۶/۱۷.
۷. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۴/۵/۱۸.
۸. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۵۹/۷/۱۸.
۹. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۴۰۳/۲/۱۹.
۱۰. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۲/۲/۲۰.
۱۱. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۶۴/۱/۲۳.
۱۲. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۵۲/۱۲/۲۴.
۱۳. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۳/۵/۳۰.
۱۴. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۰/۶/۳۰.
۱۵. خامنه‌ای، (آیت الله) سید علی، ۱۳۸۹/۹/۴.

۱۶. خامنه‌ای، (آیت‌الله) سید علی، ۵/ ۳/ ۱۳۸۲.
۱۷. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، (۱۴۲۲)، تاریخ بغداد، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
۱۸. شریف قرشی، باقر، (۱۳۷۱)، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۹. طبرسی، امین الاسلام، (۱۴۱۷)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴)، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، انتشارات کنگره شیخ مفید.
۲۳. -----، (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۷۶)، رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

